نخستین کنگره ملی زنان ایران

اخیراً نخستین کنگره ملی زنان ایران با حضور ۴۰۰ نفر نماینده از نقاط مختلف کشور و ۵۰۰ نفر مهمان، در تهران تشکیل شد.

مادران و زنان ایرانی که در نهضت آزادیبخش ملی و نبرد علیه ایرپالم در سراسر ایران دوش بدوش برادران و برادران خود قهرمانانه مبارزه میکنند، اکنون نیز برای نخستین بار از گوشه و کنار کشور گرد هم جمع آمده اند تا در صفوف متحد و متشکل تری برای بهبود وضع زندگانی خود و فرزندان خود نقشه های نوینی طرح کنند.

تشکیل نخستین کنگره ملی زنان ایران این حقیقت را ثابت کرد که مبارزه مادران ایرانی در راه بدست آوردن حقوق خود روز بروز دامنه تر و قاطعی تر میشود و اگر تا حال زنان در تشکیلات مختلف و با شعارها و خواستهای گوناگون دست به مبارزه میزدند، از این پس کلیه مادران و زنان وطنپرست ایرانی از بنیه رهبری کننده آزادان، در تمام شهرها و دهات ایران در جبهه ای متشکل و مستقل و با خواستها و هدفهای مشترک نبرد آزادیبخش خود را تا پیروزی قطعی ادامه خواهند داد.

نمایندگان زنان کارگر، دهقان، روشنفکر و همچنین زنان خانه دار ایرانی در نخستین کنگره ملی زنان، مرامنامه و مبارزات آتی خود را تصمیمات جدیدی اتخاذ کرده اند. یکی از آن تصمیمات مبارزه پیگیر در راه بدست آوردن آزادیهای دمکراتیک و استقلال ملی است. مشی هیئت کودتایی که دستخوش عارضه و حاصل ایرپالم غدار قرار گرفته، روز بروز مردم ایران و بویژه زنان مردم آن کشور نیز به فقر و گرسنگی و بدبختی روز افزون دچار میشوند. زنان

ایرانی که دیگر حاضر نیستند میهن خود را زیر سلطه امپریالیسم انگلیس و آمریکا بیش از این در آن به بینند
اکنون در راه استقلال ملی و طرد عاملان و مداخله گران امپریالیست از کشور خود مبارزه
مبارزه میکنند. مادران و زنان ایرانی که چندی پیش در قلع و قمع شرکت غارتگر انگلیسی فعالیت می
فرا دیش شدند به عموم خانه و امروز نیز در زیر رگبار گلوله ها و در برابر هجوم توپها و تانکهای دشمن
با شعار امریکا از کشور ما بیرون بروید، مردانه پیش میروند موفقیت های شایانی بدست
ما و زنان، نمونه میدانند که تنها در کشور آزاد از نوع امپریالیسم میتوان خانواده خوشبخت
تشکیل داده، فرزندان سالم و سعادتمند بوجود آورد. روی همین اصل است که نخستین گنگره
ملی زنان ایران، نبرد در راه آزادی و استقلال ملی را سرفصل برنامه مبارزات آینده خود
قرار داده است.

یکی دیگر از قسمتهای گنگره، مبارزه شدید زنان در راه بدست آوردن حقوق پایمال
شده آنان است. زنان بیدار ایرانی که دیگر بالجمله حاضر نیستند در اثر فساد و دربستگی
دستگاه حاکمه ایران، با عضای نظام جامعه تبدیل شوند و در چهار دیوار خانه بخواری و اسارت
بسر برند، از نخستین گنگره خود دست اتحاد بهم داده تا برای تحصیل حقوق سیاسی و اجتماعی
و اقتصادی مساوی با مردان گام های قطعی تری پیش گذارند.

مادران و زنان ایرانی که مجبورند از دو آتش موجودیت کشور عزیز و مردان پرورش کنند
لغو و تشریع رجعت خود را بسا لباسهای رنگارنگ دوخته بدنه، با طبق تاون و فرزندان
عزیز خود را بخدمت سربازی و یا عزای مرگ نوشته و یا با رجب میان دو آتش غرانی

مجبور نشوند با اطفال شیرخوار خود به جایهای زندان و بقیه‌گاه‌ها روانه شوند، نخواهند و
حق دارند نخواهند که در دستگاه‌های قانون‌گذاری بدین خون و هراس رژیم جنبه‌ی قانونی
خود و در زندان خود تراشیده گردند. این حق مسلم زنان است در هر عرصه‌ی پادشاه
پهلوی اگر این حق انسانی را از مادران سلب کند، در محکمه‌ی حق محکوم به مرگ و نیستی خواهد بود.

قدر مسلم آنکه زنان و مادران ایرانی با همکاری کلیه‌ی روان شرافتمند کشور در آینده بسیار
نزدیکی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن رژیم در انجمن‌های شهر، رژیم در مجلس اعلی و قضایی
و سپاه و همچنین حق اداره و تصمیم‌گیری را به دست خواهند آورد و تنگنای نحس لشکرهای زنان
نیز حصول این نوشته را تبریک خواهد کرد.

مادران محروم و تنگنای ایرانی امروز بیش از هر چیز برای فرزندان عزیز خود که در حفظ
بیماری، گرسنگی و مرگ بسر می‌برند، ناراحت و نگران اند. کیست که نه آنکه مادر، کودکان
خود را - این انسان‌های کوچک و ~~بیگناه~~ عزیز را با چه رنج و خون دلی بزرگ می‌کند و گرسنگی
و مرگ نابهنگام این خردسالان بیگناه چگونه تا اعماق قلب مادران را می‌سوزاند
و چه می‌دارد. فقط برای جلوگیری از این مصائب اطفال است که مادران

۴

در نخستین کنگره ملی زنان هم رأی دهم پیمان صلح میگوید مادران بچه‌های زنان نان، بهداشت
و مدرسه میخواهیم. ما حاضر نیستیم کودکانمان با جثه‌های زخم و جثه‌ای لاغر و شکم‌های متورم از مالاریا
از ریشه‌ای درختان و هسته خرما سد جوع کنند. ما حاضر نیستیم خردسالانمان بازیگران
دزد و تکه‌های پرورش در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها ~~[illegible]~~ نزدیک بازوان کوچک و
لاغر آنها خود را مانند فرمانبرداری وحشی نوشته و باز هم گرسنه باشند. ما مادران اسلحه و زندان
نمیخواهیم برای ما و فرزندان ما مدرسه و نان لازم است.

نخستین کنگره ملی زنان ایران، نمایندگان شایسته مادران و زنان ایرانی را نیز برای
اعزام به کنگره جهانی زنان انتخاب کرد. تا ~~[illegible]~~ زنان ایران ~~[illegible]~~ با
زنان صلح دوست جهان برای پی‌ریزی زندگی سعادتمند و فارغ از جنگ و ترس و گرسنگی متحد و
مبارزه کنند.

کنگره ملی زنان ایران ~~ایران~~ یکی از موفقیت‌های ~~مادران~~ و زنان ایرانی مبارزه
و پیروزی‌های نوینی که نصیب مادران و زنان ایرانی خواهد شد ~~[illegible]~~.

ژاله

۱۲۲۰

دوشیزگان دانش‌آموز ایران اکنون بیش از هر وقت دیگر در صفوف محکم و متشکل
مردم مبارزه‌جو برای آزادی خویش قهرمانانه مبارزه میکنند. حوادث اخیر و کشتار اسفناک
جمعی که بدست جلادان دولتی انجام شد این حقیقت را ثابت کرد که دیگر هیچ قدرتی (عاملی)
قادر نیست جنبش آزادی‌بخش زنان و دختران میهن ایرانی را خاموش کند.
دوشیزگان دانش‌آموز که زنجیرهای قوانین اسارت‌آور اجتماعی بگردنشان سنگینی میکند، اکنون
در تنگناها و نامساعدترین شرایط فعالانه شرکت جسته، دوش بدوش پدران و برادران رشیدشان
و خشمگین خود بر ضد رژیم خونخوار انگلیس و امریکا و دست‌نشاندگان ایرانی آنها مبارزه میکنند.
تاریخ است که ثبت خاطره مختصر ایران سعی دارد بین رشتگان و دانش‌آموزان تفرقه
انداخته و بگذارد آنکه خشم توده‌ای که در کارخانه‌ها و مزارع شعله‌ور گشته، بمدارس نیز سرایت
کند. از آنجهت است که برای انجام این نیت پلید خود با انواع اعمال ضد بشری متوسل
میگردد. به خاطر دارند که چندی پیش دولت ایران برای جلوگیری از سرایت دختران دانش‌آموز
در یک نمایش ضد استعماری، دسته‌ای پلیس و ژاندارم را بمدارس دخترانه روانه ساخته و در ای
مدارس را بروی آنها بست. ولی دوشیزگان خشمگین که ملاحظات درس را تعطیل کرده و پشت
درهای بسته گرد آمده بودند، از روی دیوارها مانند آشاری که بسیل عظیمی بپیوندد به کوچه
و خیابان سرازیر شدند، همراه خلق رزمنده خویش بلندترین فریاد مرگ بر امپریالیسم
و سلطه‌گر که میخواهد استقلال ملی و آزادی ما را پایمال کند. ما صلح و آزادی میخواهیم.
این فریاد آکنده از احساسات آتشین و دلاورانه دختران دانش‌آموز
است ثبت تاریخ است که ایران را سرشار کرده. صدای پایکوبی زنجیرهای
دختران میهن ما گوش دشمنان را کر میکند و ندای میهن است که آنها میخوانند

این نژاد را که هر لحظه اوج میگیرد با تمام وسائل خانوادگی کنند. دولت ایران بیاسخ در خود سازی
فقط دوشیزگان دانش آموز دسته های لوبیش و جاروکشی را بدایی دختران روانه کرده و نفوذ
جمع دختران می پردازد. اجتماع سایر ایران از تحمیت فلهای جاهل و پاک دوشیزگان
دانش آموز را با جاروکش پایه پایه میکند که این دلها محبت مادری فلهای آینده را در خود
نیرو و انگیزه دارد و زندگی آزاد و صلح پیشه نداشته باشند. ولی عزمی است. نه چشمه
خورشید را بلوان خانوادگی کرد و نه عشق آزادی را در [illegible] نابود ساخت

~~دوشیزگان دانش آموز ایران که برای تامین نفس جهت صلح و آزادی تهیه در صف~~
~~هر زمان زحمتی خود تا چرخی نهان بشر خواهند رفت~~

دختران مبارز میهن ما بخوبی میدانند که در شاه صاحب ایران که در بحبوحه میهن فروشی
وضعیت غم آور است سعی دارد زنان را در تیرگی جهل و عقب ماندگی نگاه دارد
تا بتوانند آنها را در حالت بردگی و اسارت در هم دیوار خانه محبوس سازد. امروز بیش
از نود درصد دوشیزگان ایرانی به علت عدم استطاعت مادی در آرزوی بی فرجام
ورود به دبستان و دبیرستان با جهل و بسوادی دست بگریبانند. عده معدودی
که با تحمل سختی و تبعیضات ناروا موفق به تحصیل شده نیز گرفتار
نواقص بسیار برنامه ای میباشند. برنامه درسی دبستانها و دبیرستانهای
دخترانه بمراتب از برنامه آقایان ناقص تر و عقب تر است بطوریکه
پس از خاتمه تحصیلات متوسط سطح تحصیلی دختران اطاق ورود آنها را به دانشگاه نمیدهد
و را اسفار بحوزه یا بکال به تحصیل تقدمات مشغول شده یا سال ششم متوسط
برنامه را بگذرانند. علت این امر هم آنستکه تقریباً یکسوم دروس برنامه

مدارس دخترانه عبارت از خانه داری، بچه داری، خیاطی و آشپزی میباشد و دوشیزگان
دانش آموز بجای کسب علم و دانش ناگزیرند نیمی از اوقات خود را در گوشه آشپزخانه مدارس
بهدف طباخی برسانند و بدین ترتیب ۱۱ سال از بهترین سالهای زندگی دختران جوان که باید
صرف آموختن علوم و حقوق و مسائل اجتماعی گردد، کاملاً تلف میشود و یا واضحتر بگویم
دوشیزگان بجای دانش آموزی، بدون آموزش ناقص و نیمه کاره ای باز میگردند تا بتوانند برای
شوهران آتی خود آشپزهای مطیع و بردبار باشند. و از آنجا که ومیگ هم خواهان نمیخواهد
نمیخواهد دختران علم و دانش بیاموزند و بحقوق پایمال شده خویش آگاه
گردند. بدیهی است این امر موجبات عدم رضایت و خشم و غضب همگانی دوشیزگان
دانشجو را فراهم ساخته و آنها را به مهر زنان و دانشگاه خود نزدیکتر میسازد.
دانشجویان سال سوم رشته فرهنگ دانشگاه علوم در ۱۳ بهمن ۱۹۳۰ جلسه ای بکلیه
دانشجویان و دختران پایتخت که بکلیه دانشجویان تهران دستاد نخبین گفته شد، با دانشجویان
در خارج از دانشگاه در ارتباط توان درسائی زندگی میکنیم. بهمسالهٔ ده آذر ما بعلت
نداشتن مکان مناسب در گوشه حجرات مساجد تندرستی خود را در دست
داده گرفتار سل و بیماریهای مهلک دیگر میشویم. و پس دانشجویان بنزد درباره
دختران دانش جوی چنین اظهار داشتند. رفتار دخترها و دوشیزگان دانشگر
در امر قوانین و مقررات غلط گرفتار یک سلسله دشواریهای دیگری نیز هستند. آنان
در تمام دوران تحصیلی ابتدائی و متوسط و در آستانه ورود بدانشگاه نیز بواسطه
رسوم و مقررات پوسیده در رشته تحصیلی خویش گرفتار نشستند. این تبعیضات

بی از فراغت از تحصیل بزرگترین آنانست. حال قوانین بیدادگرانه اجتماعی که زنان را با مردان و کودکان برابر میدانند حق مقاومت و بسیار حقوق دیگر را از دوشیزگان سلب میکنند.

برای رفع این محرومیت است که دوشیزه سیمائی دانشجوی دانشکده علوم در ۲۷ بهمن ۱۳۳۰ خطاب به همه دانشجویان پیرو فرمانیگیه بکوشیم تا بیش از پیش در صفوف فشرده و متشکل تر از گوناگون جوانان بمنظور دفاع از حقوق خود برای مبارزه بخاطر صلح و استقلال ملی گرد آئیم.

[redacted]

دوشیزگان دانشجو و دانشآموز ایران با ۲ ملیون پیرو فرمانیگیه از ۱۰۴ کشور نسبت در سومین فستیوال جهانی جوانان جمع بودند متعهد است بگونه سوگند بخوریم که تمام نیروی خود را وقف مبارزه برای جلوگیری از جنگ جدید نمائیم. سوگند بخوریم برای بهبود شرایط زندگی جوانان همه مسابقه تسلیحاتی مبارزه کنیم و با تمام قوا در تبلیغ برای انعقاد پیمان صلح بین پنج کشور بزرگ شرکت جوئیم. برای تأمین حقوق جوانان بخصوص دختران و مادران تا زمانی که تفکیک نژادی وجود دارد دوشیزگان دانشجو ایران که مادران آینده هستند در صف همرزمان زحمتکش و مبارز خود تا پیروزی نهائی نیروهای خواهان صلح و آزادی هستند در صف همرزمان زحمتکش و مبارز خود تا پیروزی نهائی نیروهای خواهان صلح و آزادی هستند.

۱۳۳۱ آذر ۱۶

زنان کردستان

زنان کردستان زنانی غیور و کارکش و زحمتکش هستند که برای ادامه زندگی مشقت بار خود در سخت ترین شرایط شب و روز کار میکنند و از طرف مالکین و اربابان و مأمورین دولتی وحشیانه استثمار میشوند. ۸۰ درصد این زنان دوش بدوش شوهران و برادران روستائی خود بکشت و زرع زمین و کارهای دیگر کشاورزی اشتغال داشته و در حالیکه خود و فرزندانشان گرسنه اند، برای تهیه آذوقه و ارزاق روزانه یک قطعه مالک فقیر و بی بضاعت توان و سائی رحمت میکشند. مادران روستائی کرد هر روز پیش از طلوع آفتاب اطفال شیرخوار خود را بوسیله گهواره خویش بسته، همراه شوهران خود راه صحرا را پیش میگیرند و تا شامگاهان میکارند، میدروند، جزین میکوبند و آبیاری میکنند. هنگام غروب که بکلبه های ویران خویش برمیگردند بهیچوجه فرصت آسایش و راحت ندارند. چه آنوقت تازه اول کار آنان است. از یکطرف باید بامور خانه داری و بچه داری بپردازند و از طرف دیگر برای ارباب همکاری کنند.

زنان روستائی کرد در صحراها و در خانه ارباب حد همکار پشم ریسی، گندم پاک کنی، رخت شوئی، هیزم کشی، دوختن گلیم و دامی لذکه ای خورد تا تهیه گل ریس و ساختن دخمه گاسه و گونه برای خانه ارباب مجاناً بعهده این زنان زحمتکش است و اگر احیاناً این انتظارشان یکی از این بیگاریها را خوب انجام ندهند، مورد تحقیر و توهین مالکین و کارفرمایان قرار گرفت.

زنان و مادران همکار کرد در ازای تهیه رنج و مشقت، از داشتن شرایط

V. Kampanx

اولین محروم بوده و در زندگی کار زیاد و غذای کم و نداشتن وسائل بهداشتی خیلی زود پیر و

و تندرستی طبیعی خود را از دست می‌دهند.

زنان و دختران کردستان نان خشک و کاسه روغنی قناعت کرده تا بتوانند

در جویبارها و چشمه‌ها و زمستان در آغل گرم گاو و گوسفند خود و فرزندان عزیز خود را

حمام می‌کنند و پاکیزگی و سلامتی خانواده خود را بدین ترتیب حفظ می‌نمایند. این زنان بردبار

زحمتکش که از کلیه حقوق انسانی محروم بوده، در خط فقر و گرسنگی و مرگ بر می‌برند

تنها برای پایان دادن به رنجها و محرومیت‌های خود تنها یک راه دارند و آن

راه مبارزه می‌گردد و تشکل و آگاهی است. زنان و مادران دلیر کرد در زمانی

است این راه نجات بخش را در پیش گرفته‌اند و قدمهای بلند برای پیروزی خویش

و آزادی خود و فرزندان خویش برمی‌دارند. زنان کردستان در جنبش استقلال

طلبانه و آزادیخواهی مردم کردستان در کنار مردان غیور و دلیر کرد به پیش رفته.

در این راه استقلال حقوق پایمال شده و از بین آزادی و استقلال ملی خود

به نزد قطعه دست رفته‌اند.

کردستان

کشاورزان نخستین مانع عصبت رحمتی مانند زنان کردستان را در بخش
کنگره ملی زنان ایران بیاد بیاوریم. مانو رحمتی ضمن گفت: امروز در سراسر کردستان
حدود ۱۰۰۵ نفر در تحصیل بیکاری که اکثریت آنها را فوق آن مادرین
دولتی، افسران ارتش و مالکین و خانهای محلی تشکیل میدهند در حالیکه هم اکنون
در کردستان بیش از صد هزار دوشیزه بیکار نه تحصیل بوده که علت فقر و عدم بودن
وسائل و دیگری از تحصیل علم دیگر خواندن محروم مانده اند. این ارقام نشان میدهد که دولت حاکم بر
ایران که ثروت میگفت کردستان و دسترنج مردم تمامش آن سرزمین را غارت
میکنند تا چه اندازه نسبت به تعلیم و تربیت جوانان کرد بی علاقه و لاقید هست
مادران مبارز کرد از هر چیز توانستند گذشت کنند، از سلامتی و آسایش و سعادت فرزندان
عزیز خود نمیتوانند چشم بپوشند برای چنین مقصودی است که با تمام قوا علیه دشمنان اشغالگر

آزادی و خوشبختی مردم کردستان مبارزه میکنند.

شجاعت و دلاوری زن کرد بر هیچکس پوشیده نیست. او از هیچ سختی و هیچ خطر نمیترسد. وقتی بر تپه‌ها سوار است مانند باد کوه‌ها و دره‌ها را زیر پا میگذارد. زمانی مانند قهرمانان تفنگ بدوش گرفته در پی سنگرها میدوید شوهر و برادر خود علیه دشمن می‌جنگد وقتی هم مادر شد کودک سیاه چشم خود را در آغوش گرفته با دلی لبریز از شوق و محبت مادری با نغمه شیرین و دلنشین گردی بگوش او داستان فداکاری و قهرمانی میخواند.

زنان و مادران غیور کرد شایستگی کامل آنرا دارند که از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان برخوردار بوده سرنوشت خود و فرزندان خود را بدست بگیرند.

همردیف شدن زنان مبارز کرد با قهرمانان برای خوشبختی خانواده‌ها و کشور مبارزه میکند زنان کرد ستان بخوبی میدانند که تا سلط استعمار از سرزمین آنها برچیده نشود آزادی و زندگی آزاد و خالی از فقر و درد و رنج داشتن بمقامه است و روی این اصل زنان و مردان کرد ستان در صف مردم ایران در نبرد علیه امپریالیسم است که این زنان مبارز ~~مردم~~ ایران تر تمام کلیه زنان ترکمن ایران در نبرد علیه امپریالیسم و استعمار ~~کشور~~ فعالانه شرکت میکنند.

مادران کرد زنان ~~نقش~~ در پرداختن دستگاه حزب و دولت ~~مردم~~ مهم ~~مردم~~ هر قطعی مبارزه میکنند.

تهیه وسائل سلطنت ~~مردم~~ ~~مردم~~ ~~مردم~~

«زنان کارمند اداراتی»

ارزش و اهمیت کار در سرنوشت نیروی فکری و جسمانی انسان بر هیچکس پوشیده نیست. کار ~~[illegible]~~ انسان را شخصیت بخشیده و آزادی و استقلال او است. ~~[illegible]~~ متأسفانه زنان ایرانی بعلت کار بلاد آن را سرنوشت و [redacted] و آزادی حق و زندگی آزاد میدهم

فاقد و بی‌بهره‌گی دستگاه‌هایی که از بسیاری از حقوق اجتماعی ~~[illegible]~~ و از آنجمله از حق کار محروم‌اند. میتوان گفت فقدان استقلال مادی باعث و شالوده محدودیت این دیگر زنان شمار میرود. زنی که برای لقمه نان چشم‌امید به پدر یا شوهر دوخته و نتواند مستقلاً زندگی خود را اداره کند، اگر ناگزیر است در چهار دیوار خانه بذلت و انزوا آن درد را بهم داده از سایر حقوق اجتماعی خود چشم پوشی کند.

در اینجا این سؤال پیش میآید که چرا زنان ایرانی هنوز نتوانسته‌اند حق کار و استقلال مادی خود را تأمین کرده و در تعیین سرنوشت خود آزادانه شرکت جویند. ~~[illegible]~~ در ایران که مردان کار و مردان تر بیشتر و مجموعه که طبقه حاکمه مردم ایران که ~~[illegible]~~ و ~~[illegible]~~ توجه ~~[illegible]~~ دارد ~~[illegible]~~ با تمام عقب‌ماندگی که ضمن حادثه کردن نهضت ~~[illegible]~~ دسته جمعی مردم، زنان نقش نصف و بلکه ~~[illegible]~~ زنان از حق کار محروم مانده‌اند. علت ~~[illegible]~~ کشور را نیز از عرصه مبارزه و صحنه اجتماع بدور دارد. ~~[illegible]~~ زنان ~~[illegible]~~ از حق کار محروم مانده ~~[illegible]~~ مردان ~~[illegible]~~ یکی از علائم ترقی و تمدن هر ملتی ~~[illegible]~~ تا چه اندازه زنان این مقرر است که

آن ملت توانسته اند در رشته های مختلف اقتصادی و سیاسی کشور خود فعالیت کنند

بنابراین جای هیچگونه تردیدی نیست که عناصر تبعیض آمیزی که مدعی دارند با تمدید آزادی

زنان و حجاب اجباری و نظایر این نیرنگهای شوم و هشت بار زنان را از کارهای

اجتماعی برکنار دارند، دشمنان خائنی هستند که میخواهند ایران را تحقیر آگاهانه

سد راه ترقی و تکامل مردم این کشور گردند. مرا ترحمی از ایران یک سال پیش

که زنان را بوجود ضعف و عجز ~~[illegible]~~ توانای پوسیده ~~[illegible]~~ مردمی از ایران هنوز نمیتوانند تصور کند که

دوشیزگان دانشجو را به ارتکاب جنایت حقوق راه نمیدادند، اکنون نیز با جهل و جاهلیت

در عمل در ارتکاب عمدی و نامناسب مادرت در تمام رشته های اداری و اجتماعی و صادرات و سایر

آنها را از شغل قضاوت محروم کرده اند. برای آنکه زنان مدارک ~~[illegible]~~

از ارتباط و معاشرت ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ و ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ از قاضی عادل و ~~[illegible]~~ وجدان مردمان است. برای آنکه اگر گروه تبهکاران

دل لایق است. روی همین اصل است که ~~[illegible]~~ زنان ~~[illegible]~~ زنان را از حاضر

قاضی باشند. باید بدون هیچ منطق و دلیلی ~~[illegible]~~ بازی کنند و احیاناً

سیاه رو خود سند بدون هیچ عذر و بهانه ای همه را طفل خود ترک کنند

دانشگاه حقوق را از حق قضاوت محروم سازد

کارشناس محکمه کنید، مادری حق نداشته باشد در ثبت نزد قضاوت از

حقوق پایمال شده خود و فرزندان خود دفاع کرده و جانبیان را محکوم کند

زنان را در کتب دراری کاسه و از آنجمله

زنان ایرانی تنها از شغل قضاوت محروم نشده، آنها در اغلب ورزشها

مثلاً در ورزشگاه جامعه بطور کلی اکنون ممنوع میگردند

تا ما را جمع جمع
و تا بیکار در ادارات و مؤسسات دولتی ~~نشسته~~ باشند. اولاً در برابر کارمندی ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~

که حتی دستگاه تبلیغاتی رادیو تهران نیز با کمال بی‌شرمی این لاطائلات را بگوش
مردم جهان می‌رساند. هست عاملی که مرحوم ایران که از بیداری و هشیاری زنان بازاخبر است
گاه و بیگاه بعناوین مختلف متکی شده و میخواهد ~~[illegible]~~ آنها را از دست آنها در درجه سوم و
چهارم نیز برکنار کند و با ایجاد معاصد شوم و نیات پست خود را بخود دیگر
آشکار سازد. تعداد زنانی که تحصیل نکرده هستند
امروز زنان قهرمان ایران در کشورهای دیگر ایفا کرده‌اند توجه ای این حقیقت
را ثابت کردند که افسانه عدم تساوی حقوق زن و مرد دیر زمانی است به پایان رسیده است
اکنون یکصد و پنج نفر زن عضو شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی دارای عالیترین مقام
دولتی آن کشور میباشند و همچنین ۹۱۸۰ نفر زن روسی، ارمنی، تاجیک و آذربایجانی
بعلاوه در شورای ملی و محلی خود فعالانه شرکت میجویند. اینها زنان دربار و یا
دیر نشسته بلکه مادران قهرمانی میباشند که در ~~[illegible]~~ نبرد ضد فاشیسم
برای نجات بشر در آتش و خون مردانه جنگیدند و اکنون نیز برای انجام
صلح جهانی در کارخانه‌ها، مزارع، لابراتوارها و سایر دستگاه‌های علمی و صنعتی قهرمانانه
فداکاری میکنند. زنان مبارز چین آزاد و مادران قهرمان کشور پرسلند زنان
دارند که زنان آسیا را یک تحول عظیم تاریخی ~~[illegible]~~ گذشته است

در حین دوره پرخشن زنان ایرانی نیز باید دوش بدوش زنان مترقی و پیشرو جهان
جهت کسب ایران ع
برای بدست آوردن حقوق ~~مساوی~~ خویش دیرزمانی مبارزه کنند. زنان کارمند ادارات
تنها در اثر مبارزات پی گیر و دسته جمعی خود میتوانند در برابر کارمندان با مردان حقوق
مساوی بگیرند | تا دیگر مان دانشگاه حقوق را دیگر نمیکنم که برای احراز پست
تضاد در سازمان دانشجویان تشکل تر و محکم تر مبارزه کنند |
زنان ایرانی نباید تنها به پاشن نویسی اکتفا کنند بلکه آنها لیاقت
و قدرت آنرا دارند که مبتکر ادارات و وکالت ~~و قضاوت~~
احراز کرسی در قعر نزدیکت فوقی مقالانه سرگرم جوینده و اجرای مهمت کر
اینکه حکومت ملی زیر پای
زنان باید رضا نرود صف خود را بر علیه ملت حاکم مبارزه کنند برای اینکه
با مبارزات پی گیر زنان ایرانی موفقیت کنند که با کمک

برای سرپرست دانشگاه

۱۳۲۸

بسیار خوشوقتم که فرصتی بدست آوردم تا بمناسبت هشتم مارس روز همبستگی زنان جهان، به همه بانوان و دوشیزگان میهن عزیزم ایران از صمیم قلب تبریک بگویم و پیشرفت و موفقیت‌های درخشان و شکوهمندی برای آنها آرزو کنم.

مبارزه اینکه زنان ایرانی برای بدست آوردن حق خود در شصت سال اخیر کرده‌اند بر کسی پوشیده نیست. در نهضت مشروطیت چه بسیار بانوانی دلیری که با وجود حادثه‌ای که بر سر داشتند، سلاح بدست گرفته و در راه آزادی و استقلال میهن و علیه استعمارگران خارجی و استبداد و ارتجاع داخلی دوش بدوش برادران مجاهد خود، مردانه جنگیدند.

شاید در دو تاریخ گذشته ایران کمتر دوره‌ای بوده که تا این پایه زنان ایران برای گسستن زنجیرهای اسارت و محرومیت و عقب ماندگی، دست بمبارزه هشیارانه جمعی زده باشند و باز کمتر دوره‌ای بوده که مثل امروز اینهمه بانوی شاعر و نویسنده و نقاش و عالم داشته باشیم.

اما بطور اول کار درست و استقلال‌های نهضت زنان ایرانی بسیار میگویند زن با یک دست گهواره را تکان میدهد و با دست دیگر جهان را. و زن ایرانی که همیشه مادر فداکار گرد آفرین بوده آن قدرت شکوهمند را دارد که در حالیکه در دامان خود نسل تندرست و توانا و خردمند حال و آینده را می‌پروراند، در کلیه شئون علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی میهن خود نیز فعالانه شرکت کند و موفق شود. مبارزه پی‌گیر او ضامن پرواز های تو برجسته آینده وی خواهد بود. آنچه اینکه بسوی خود تکامل میرود.

در جشن هشتم مارس زنان و مادران بشریت ایران و سراسر جهان نمیتوانند به سرنوشت خونین خواهران و هنرمندی خود

شنید شد و صدای اعتراض خود را نسبت به جنگ افروزان
بلند نکند. پیام سوری ها به ما ~~نوشتم~~ گفته ام که میخواهم

۱۸

۱۹۸۱/۳/۸

Draugs